



نقش فراموش شده

مجمع پرسپولیس و استقلال

چه کسی باید به فریاد سرخابی‌های پایتخت برسد؟

گزارش
دنیاجیدری

وزارت ورزش گویی نقش نظارتی خود را فراموش کرده است؛ چه به عنوان متولی ورزش و چه رئیس مجمع دو باشگاه، به همین دلیل هم این روزها بسیاری، از جمله هواداران دو تیم سرخابی پایتخت مدام این سؤال را مطرح می‌کنند که نقش مجمع پرسپولیس و استقلال چیست؛ مجمعی که ریاست آن را وزیر ورزش به عهده دارد؛ رئیسی که در کمال ناباوری کوچک‌ترین واکنشی به اتفاقات، حاشیه‌ها و مشکلات این دو باشگاه ندارد و قدمی در راستای حل‌وفصل آن بر نمی‌دارد.

تردیدی نیست وظیفه نظارت بر رفتار و عملکرد مدیرعامل را هیئت‌مدیره به عهده دارد، اما این مسئله دلیل بر کمرنگ‌شدن نقش نظارتی وزارت ورزش نمی‌شود. در واقع نظارت بر عملکرد مدیرعامل و هیئت‌مدیره یکی از وظایف وزارت ورزش به عنوان مجمع پرسپولیس و استقلال است؛ نظارتی که سال‌هاست در عمل وجود خارجی ندارد. در حالی که وزیر ورزش به عنوان رئیس مجمع این دو باشگاه باید در صورت ناتوانی هیئت‌مدیره و مدیرعامل، نقشی اساسی در حل‌وفصل مشکلات سرخابی‌های پایتخت بازی کند، اما آیا اینطور است؟

یکی از عمده ایرادهای وارده این است که سرخابی‌های پایتخت بر اساس قانون تجارت اداره نمی‌شوند و شاید به همین دلیل است که نظارتی که باید روی عملکرد مدیران عامل و هیئت‌مدیره و وجود خارجی ندارد. در ظاهر وزارت سعی دارد کمترین دخالت را در امور سرخابی‌های پایتخت داشته باشد، ولی نظارت بر عملکرد هیئت‌مدیره و مدیرعامل و برخورد با متخلفان، به معنای دخالت نیست بلکه به معنای رفع و رجوع مشکلات است، اما سؤال این است که اوضاع باید تا چه اندازه در هم و برهم باشد که وزارت ورزش و در رأس آن وزیر ورزش خود را موظف به نظارت بر عملکرد این دو باشگاه و توییح مدیران عامل و حتی اعضای هیئت‌مدیره آنها بداند.

مدافع عنوان قهرمانی لیگ به دلیل مشکلات بی‌پایان مدیریت با کادر فنی و عدم تعهد مدیرعامل به وعده‌هایش در پایان نیم‌فصل سرمربی خود را از دست می‌دهد و بعد از یک نمایش دراماتیک تحت عنوان جذب برانکو، اوسمار را به عنوان سرمربی معرفی می‌کند و

دست آخر هم لایه‌های بحث‌های انتخاب سرمربی، پای یک بدهی هنگفت دیگری به میان می‌آید؛ رقم درشتی که گفته می‌شود به دلیل عدم پرداخت بموقع، ۷ میلیارد به چیزی حدود ۱۵۲ میلیارد تومان تبدیل شده است؛ رقمی که تنها یک نمونه از بی‌کفایتی یکی از مدیران سابق پرسپولیس است. اوضاع استقلال هم البته چندان بهتر از پرسپولیس نیست. مشکلات در این باشگاه نیز بی‌پایان است، از نداشتن چندباره چک باشگاه از سوی مدیرعامل سابق گرفته تا اختلاف‌نظر فاحش مدیریت باشگاه با سرمربی تیم که اگرچه یک مرتبه از سوی رئیس فدراسیون کشتی شعله آن پایین کشیده اما بار دیگر شلعه‌ور می‌شود، بی‌آنکه واکنشی از سوی وزارت ورزش در پی داشته باشد؛ مشکلات متعددی که نمونه‌های آشکار شده تنها موارد کوچکی از آنهاست، اما هیچ کدام باعث نمی‌شود وزارت ورزش یا حتی وزیر به عنوان رئیس مجمع این دو باشگاه برای میانجیگری یا حل‌وفصل مشکلات قدم پیش بگذارد.

قیمت سهام پرسپولیس و استقلال به دلیل عملکرد مالی آنها کاهش پیدا می‌کند چرا که بی‌اعتمادی سهامداران و خروج تعداد زیادی از آنها را از ترکیب سهامداری سرخابی‌های پایتخت به دنبال دارد. در برخی اساس داده‌های آماری مهرماه (چهار ماه قبل) زبان عملکرد مالی پرسپولیس نسبت به سال قبل ۲۸ درصد و زبان مالی استقلال ۳۵ درصد افزایش پیدا می‌کند، درصدی که بی‌تردید در چهار ماه اخیر نیز افزایش یافته است، اما حتی این مسئله نیز حساسیت رئیس

مجمع دو باشگاه را برای نظارت یا بازخواست مسئولان پرسپولیس و استقلال یا حتی ایجاد تغییرات در کادر مدیریتی و هیئت‌مدیره آنها به دنبال ندارد. در واقع هیچ مشکلی نیست که پرسپولیس و استقلال با آن درگیر نباشند. مشکلات مالی، عدم تعهد به وعده‌های داده‌شده، بسته‌شدن پنجره نقل و انتقالات، از دست دادن سرمربی، درگیری بین مدیریت و کادرفنی، دلخوری هواداران، ضرر در بورس و کاهش ارزش سهام از جمله مشکلات مشهود دو باشگاهی است که وزیر ورزش، رئیس مجمع آنهاست، اما رئیسی که نه نظارت آن بر عملکرد مسئولان و مدیران باشگاه به چشم می‌آید و نه دخالت او برای حل مشکلات بر تعداد آنها، رئیسی که با شرح وظایفی برای او تعریف نشده یا اگر هم شده اعتقادی به انجام آن ندارد که با وجود اوضاع نابسامان این دو تیم، همچنان روزه سکوت گرفته است و هیچ اقدام مثبتی انجام نمی‌دهد.

اما بدتر اینکه لایه‌های تمام این مشکلات بی‌پایان، هراز چندگاهی شاهد اتفاقاتی هستیم که در نوع خود جالب توجه است؛ اتفاقاتی چون اخذ مجوز حرفه‌ای از سوی باشگاه پرسپولیس، آن هم در حالی که کمتر کسی است نداند این باشگاه به صغیر و کبیر بدهکار است و هر روز یک پرونده عجیب مالی روی می‌کند که رقم آن هوش از سر هر شنونده‌ای می‌برد، اما حتی رقم‌های درشت بی‌کفایتی مدیریتی هم نمی‌تواند تا آن اندازه برای وزارت ورزش حساسیت در پی داشته باشد که قدمی در راستای توییح مدیران یا تغییر آنها بردارد. با این



شرایط، عجیب نیست پرس‌وجو در خصوص نقش و وظیفه مجمع پرسپولیس ذهن هواداران این تیم و مردم را به خود مشغول کرده باشد؛ مجمعی که قاعدتاً وظیفه نظارت دارد اما تا آن اندازه نمایشی است که حتی به خود اجازه پادرمیانی برای حل مشکلات را هم نمی‌دهد، به طوری که رئیس فدراسیون کشتی برای خاتمه دادن درگیری‌های میان مدیرعامل و سرمربی استقلال یا پیش می‌گذارد، حال آنکه این نه وظیفه دبیر که بی‌شک و وظیفه رئیس مجمع این باشگاه است.

عجیب نیست که اگر وزیر ورزش لایه‌های مشغله‌های پر تعداد خود فرصتی برای رسیدگی به این دو باشگاه یا نظارت بر عملکرد مدیران و مسئولان آن داشته باشد، در این صورت چه امری است که همچنان وظیفه ریاست مجمع سرخابی‌های پایتخت به عهده وزیر ورزش باشد. آیا نمی‌توان این وظیفه را به عهده کسی گذاشت که فرصت بیشتری برای رسیدگی و نظارت به این دو باشگاه دارد؟ دو باشگاه مطرحی که بیزه نیست اگر بگوییم طی سال‌های اخیر مشکلات آنها به مراتب مطرح‌تر از خود آنها بوده است؛ مشکلاتی که اگر هر چه زودتر حل‌وفصل نشود، می‌تواند به نابودی هر چه بیشتر آنها بینجامد و چه بسا برسد روزی که پرسپولیس و استقلال همچون «باس» به خاطر‌های در میان فوتبال‌دوستان تبدیل شوند، هر چند بر کسی پوشیده نیست منفعت سرخابی‌های پایتخت برای آقایان آنقدر است که حاضر به از دست دادش نباشند، حتی با همین شرایط استغبار.

وزارت دست از سر سرخابی‌ها بر نمی‌دارد

فریدون حسن

سال‌هاست مدعی هستند هیچ ارتباطی با دولت ندارند، سال‌هاست پرونده‌سازی و جعل سند می‌کنند که خصوصی هستند، اما اینجا حداقل در ایران همه خوب می‌دانیم که دست‌شان تا آرنج در جیب دولت، بیت‌المسال و مردم است. صحبت از دو ایرپدهکار و بیت‌المال خور معروف است؛ دو باشگاه همیشه مدعی؛ دو باشگاهی که جز بدهی تراشی و آبروریزی برای فوتبال ایران در مجامع بین‌المللی چیز دیگری نداشته و ندارند. حرف از سرخابی‌های پایتخت است که یکی از دیگری افضاح‌تر است.

تکلیف این دو کاملاً مشخص است، در طول تمام این سال‌ها به اسم حرفه‌ای‌بودن و خصوصی‌بودن هر چقدر که توانسته‌اند از جیب مردم بیت‌المال برداشته‌اند، اما باید پرسید که چرا دولت‌های مختلف اینقدر راحت اسیر این دو شده‌اند. همه خوب می‌دانیم که در دوران سازمان تربیت بدنی تا امروز که وزارت ورزش داریم، پرسپولیس و استقلال زیر نظر مستقیم نفر اول ورزش کشور اداره می‌شوند. زمانی زیر نظر رئیس سازمان تربیت بدنی بودند و امروز حدود دو دهه است که زیر نظر وزارت ورزش و جوانان هستند و ناگفته پیداست که چگونه وزارت ورزش و جوانان به جای اهمیت دادن به ورزش و جوانان، هم و غم خود را صرف این می‌کند که تکند به بروی این دو عزیز کرده‌اش خمی وارد شود.

طی تمام سال‌های گذشته نه وضعیت استقلال درست و درمان بوده و نه اوضاع پرسپولیس روبه‌راه، اما جالب است که هیچ حرکتی از سوی وزارت ورزش و وزیران وقت آن برای سرسوسمان دادن به وضعیت این دو تیم صورت نگرفته، در حالی که وزیر ورزش، رئیس مجمع هر دو باشگاه است و می‌تواند تأثیر مستقیمی در برنامه‌ریزی‌ها و آینده آنها داشته باشد.

اتخاذ یک تصمیم درست از سوی وزارت ورزش به عنوان متولی اصلی این دو باشگاه می‌تواند نقطه پایانی بر تمامی این حواشی باشد، اما جای تأسف است که تمامی مسئولان و متولیان این امر، تنها برای اینکه اسمی از خودشان بر جا بگذارند، نه تنها برنامه‌ریزی درست برای سرسوسمان دادن به وضعیت این دو باشگاه، نکرده‌اند که باز پناه‌خواهی‌ها و بیت‌المال‌خوری‌های این دو باشگاه همراه شده و به اسم رضایت هواداران اجازه داده‌اند آنها هر کاری دل‌شان خواسته انجام دهند. نکته تأسف‌ناک‌تر اینکه از دوران سازمان تربیت بدنی تا وزارت ورزش به رغم تمام شعارها و سروصداهایی که برای خصوصی‌شدن این دو باشگاه به راه افتاده است، خود مسئولان امر جلوی این کار را گرفته‌اند و همیشه تنها یک سیاه‌بازی آن هم در زمان‌های خاص به راه انداخته‌اند تا مملعتاً عنوان کنند می‌خواهیم استقلال و پرسپولیس را خصوصی کنیم اما هم‌زمان خودشان جلوی این کار را گرفته‌اند، چون نمی‌توانند از عایدی بیت‌المال خوری آنها که سر از زیر جیب‌شان می‌شود، چشم‌پوشی کنند. واقعیت این است که این خانه از پایست ویران است و تا زمانی که وزارت ورزش پای خود را به عنوان متولی اول و آخر سرخابی‌ها از ماجراجاری آنها کنار نکشد، اوضاع بر همین منوال پیش خواهد رفت. بدون هیچ تردیدی شعار «وزارت تبعیذاری نمی‌کند» یک ادعای مسخره است که از سوی تمام آنها که پشت میز ریاست وزارت ورزش می‌نشینند، عنوان می‌شود. وزارت تبعیذاری می‌کند و هیچ‌گاه هم دست از پرسپولیس و استقلال نمی‌کشد تا اوضاع هر روز بدتر از دیروز شود.

نگاه کارشناسان در گفت‌وگو با «جوان» شیوا نوروزی

نظارت و دخالت وزارت باید روند سرخابی‌ها را اصلاح کند

است که باشگاه حق جذب بازیکن و مربی خارجی را ندارد یا باشگاه نباید با بازیکن بالای ۳۵ سال سن قرارداد امضا کند. هر سیدیتی که ابلاغ شود، هیئت‌مدیره باید آنها را با ظرفیت مدیریتی به اجرا درآورد. اینگونه مسائل اصلاح‌ربطی به مجامع بین‌المللی ندارد. هر دو باشگاه متعلق به دولت است و دولت می‌تواند تصمیمات لازم را در موردشان بگیرد. وزارت هم حق نظارت و هم حق دخالت دارد، منتها طی این سال‌ها به دلیل عدم نظارت و دخالت بموقع وزارت ورزش، استقلال و پرسپولیس



امیررضا واعظ‌آشتیانی
مدیرعامل سابق استقلال



وضعیت بسیار آشفته‌ای داشته‌اند. برای آسیب‌شناسی این مسئله به چند مورد باید اشاره کرده‌انتخاب نامناسب مدیران عامل، عدم نظارت و دخالت بموقع در امور مدیریتی و بی‌توجهی به هزینه‌های صورت گرفته و زیان‌ده‌بودن دو باشگاه. همچنین عدم نظارت جدی نهادهای نظارتی خارج از ورزش در این مسائل به آشفنگی سرخابی‌ها دامن زده است، حتی سازمان‌های غیرورزشی نیز به مداخله و نظارت نیاز دارند. اگر اینها به درستی انجام شود ما دیگر تالی فاسد (پیامد نامطلوب) کم خواهیم داشت.

متأسفانه دولتی‌بودن سرخابی‌ها باعث شده است هیچ کس دلش برای بیت‌المال نوسزد. اینکه می‌گویند وزارت ورزش در بحث انتخاب سرمربی و غیره دو باشگاه دخالت نمی‌کند، نوعی فرار رویه جلو است. اصلاً کسی

حرف از دخالت در این مسائل نمی‌زند، بلکه دخالت و نظارت‌تان باید به اصلاح منجر شود. هیچ کس از وزارت انتظار ندارد مربی برای سرخابی‌ها انتخاب کند و چنین حرفی نیز زده نمی‌شود، اما وزارت ورزش همانطور که مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره را انتخاب می‌کند، همانطور هم باید با ورود بموقع اصلاح رویه انجام دهد. معتمد هم نظارت لازم است و هم دخالت. در برخی مواقع نباید مستقیماً دخالت کرد. فرضا وزارت در انتخاب مربی برای یکی از این دو باشگاه دخالت کند، اگر در آینده تیم نتیجه نگیرد، مطمئناً مدیران باشگاه وزارت را متهم به دخالت و این مسئله را عامل ناکامی تیم عنوان خواهند کرد. در این صورت مدیران مدعی می‌شوند دخالت وزارت ورزش باعث شده است تیم نتیجه مطلوب نگیرد. در مدیریت بحث دخالت هم برای خودش تعریف دارد؛ دخالت باید در جهت اصلاح، راستی‌آزمایی و رفع موانع باشد نه در اجرا، تصمیم‌گیری و اینکه فلان شخص سرمربی شود یا نشود. رفت‌وآمد زیاد افراد در هیئت‌مدیره سرخابی‌های بی‌ثباتی را به همراه دارد. اینکه عده‌ای می‌آیند و خیلی زود می‌روند، نشان از این دارد که در انتخاب اولیه عجله کرده و شاخص‌های مهم را مدنظر قرار نداده‌اند. با تصمیمات نادرست برخی‌ها انتخاب می‌شوند و به باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس راه پیدا می‌کنند اما بعد از مدت کوتاهی به این نتیجه می‌رسند که انتخاب آنها برای عضویت در هیئت‌مدیره سرخابی‌ها از ابتدا اشتباه بوده است. مدت‌هاست اینگونه تصمیمات و انتخاب‌های اشتباه روی هر دو باشگاه تأثیر منفی گذاشته و به نوعی نتیجه این آزمون و خطا می‌توان

در مشکلات مدیریتی سرخابی‌ها به وضوح مشاهده کرد. همین آزمون و خطاهاست که حواشی زیادی را برای پرسپولیس و استقلال ایجاد کرده و خواهد کرد. با انتخاب‌های اشتباه است که در طول فصل میثمدیره سه حالت خارج نیست؛ فوت، استعفا یا برکناری افراد. برکناری‌ها نیز به همان مسئله که پیش‌تر اشاره کردم، برمی‌گردد؛ تصمیمات نادرست اولیه. آن زمان که وقت بررسی است، وزارت شاخص‌های لازم را در برگزیدن افراد بسزای ورود به هیئت‌مدیره سرخابی‌ها در نظر نمی‌گیرد و بعداً همین بی‌توجهی است که باعث ایجاد تغییرات زیر و درشت مدیریتی در باشگاه‌ها می‌شود. بدون شک روی کار آمدن افراد به عنوان اعضای هیئت‌مدیره استقلال و پرسپولیس در عملکرد مدیریت آنها تأثیر مستقیم دارد.



امیرعبادتی
مدیرعامل سابق پرسپولیس

برای حل مشکلات سرخابی‌ها، بارها و بارها اعلام‌شده است قصد دارند آنها را به بخش خصوصی واگذار کنند. مانع اصلی در بحث واگذاری پرسپولیس و استقلال زمانی به وجود می‌آید که قیمت معنوی «برند» را روی قیمت مادی حساب

می‌کنند؛ پرسپولیس و استقلال دو برند معنوی دارند که به عقیده من اصلاً قابل ارزش‌گذاری نیست؛ هویتی که ساختند، قدمت و هواداری که دارند، علاقه‌ای که مردم به این دو تیم دارند و همچنین شهرت‌شان در آسیا و جهان به یک برند بزرگ تبدیل شده است. این برند را چه کسی درست کرده است؟ آیا دولت برای ساخت این برند آسیایی و جهانی سرمایه‌گذاری کرده یا تلاش‌های مدیران گذشته و پیشکسوتان این دو تیم بوده است؟ یک دور‌روی هم البته با تدبیر مرحوم غفوری‌فرد خصوصی بوده و مهندس هاشمی طبا نیز از این مسئله حفاظت کرد تا این دو تیم خصوصی بمانند، اما متأسفانه بلافاصله پس از روی کار آمدن آقای مهر علیزاده در سازمان تربیت‌بدنی، همه چیز تغییر کرد، این کار را پشتوانه دستگاه قضای وقت و دفتر مرحوم شاهرودی انجام دادند. اسامی همه افراد را نیز اعلام می‌کنم تا مشخصاً بدانید چه اتفاقاتی در آن زمان رخ داده است. همچنین دولت اصلاحات نیز از دولتی‌شدن سرخابی‌ها حمایت کرد؛ پرسپولیس و استقلال ضربه اصلی را همان زمان خوردند، ضربه بسیار مهلکی هم بود. اگر مرام‌نامه وزارت ورزش را چه حالا که وزارتخانه است و چه آن زمان که سازمان بود، مطالعه کنید، می‌بینید حتی یک کلمه هم در مورد حق وزارت ورزش یا سازمان تربیت‌بدنی برای باشگاه‌داری وجود ندارد، پس چطور کار به اینجا رسیده است؟ وزارت ورزش جایی در اداره کردن دو باشگاه پرسپولیس و استقلال ندارد، البته نه فقط در این دو باشگاه، بلکه در هیچ باشگاهی. اگر قانون را به درستی مطالعه کنیم، تکلیف مدیریت باشگاه‌ها کاملاً مشخص است. مدیریت آنها به دو دسته تقسیم می‌شود؛ یا باید به صورت خصوصی اداره شوند تا بتوانند حرفه‌ای شوند یا اینکه نیمه‌خصوصی باشند. در این مدل، دولت سهام‌کثرتی در اختیار دارد و تنها هدفش حمایت از آن باشگاه و تیم است. در هیچ کجای

دنیا قانونی برای باشگاه‌داری دولت‌ها نداریم. دیگر سازمان‌ها از جمله شهرداری‌ها فقط حمایت می‌کنند؛ زمین و امکانات می‌دهند و حمایت مالی می‌کنند، ولی در بحث مالکیت به هیچ‌عنوان دخالتی ندارند. طبق قوانین حرفه‌ای مگر یک وزیر می‌تواند هم‌زمان رئیس مجمع دو باشگاه رقیب باشد؟! در واقع برای این کار مستعدسازی انجام شده و مدرک درست کردند تا بگویند سرخابی‌ها زیر پوشش وزارتخانه نیستند، اما به محض اینکه مجمع دو باشگاه تشکیل می‌شود، وزیر ورزش



برای همه حکم صادر می‌کند. مناظره‌های قربان‌زاده، رئیس سابق سازمان خصوصی‌سازی را دیده‌ایم. او به صورت فراقانونی حرف زد و بخش کوچکی از سهام دو باشگاه را عرضه کرد، در حالی که هیچ کس از آن سهام حفاظت نکرده است. انباشتگی دیون، سراسیمگی در تصمیمات، نداشتن بضاعت مالی متقن، عدم‌پاسخگویی به سیستم‌های نظارتی قانونی از جمله سازمان امور مالیاتی و سازمان بازرسی کل کشور و مهم‌بودن سقف و کف رقم قراردادهای حمله‌چالش‌های بخش ستادی فوتبال است. بخشی که فوتبال را اداره می‌کند را صف فوتبال نامیم. تبعات مدیریتی بخش صنف را آزار می‌دهد، چرا این روزها مردم به مدیرعامل باشگاه پرسپولیس پر خاش می‌کنند؟ چون از تصمیمات ناراضی هستند. اگر این تصمیمات درست است، چرا نمی‌توانید از آنها

خصوصی‌سازی سرخابی‌ها اراده نکنند، معیارهای خصوصی‌سازی مفهوم نداشته باشد و مردم این مسئله را باور نکنند، شرایط تغییر نخواهد کرد. در حال حاضر هواداران نمی‌توانند از وزارت ورزش بابت وضعیت پرسپولیس پاسخ بخواهند چرا که مجمعی وجود ندارد. اگر باشگاه خصوصی بود و مجمع عمومی داشت، آن زمان مردم می‌توانستند حرف‌شان را در مجمع می‌جمع می‌سازند. در این صورت مجمع نیز اعضای هیئت‌مدیره را تغییر می‌داد یا اینکه بعد از بررسی دقیق و ارائه گزارش بابت عملکرد باشگاه، به هواداران می‌گفت

جوابگو خواهد بود.

جوابگو خواهد بود.